

A Difficult Decision: Tricky, Tough or Straightforward?

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

94 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Martin, have you decided whether to accept the new project?

شما تصمیم گرفته اید که آیا پروژه جدید را قبول کنید؟ Martin

Not yet.

هنوز نه.

It is difficult.

دشوار است.

Difficult because the work is complicated?

دشوار است چرا که کار پیچیده است؟

Not exactly.

نه دقیقا.

Difficult because the choice is emotionally hard?

دشوار است چرا که انتخاب از نظر عاطفی سخت است؟

Yes.

بله.

That is closer.

نزدیک تر است.

Then you need a more precise word.

سپس به یک کلمه دقیق تر نیاز دارید.

I suspected you might say that.

گمان می کنم ممکن است این را بگویم.

Today we will compare tricky, tough and straightforward.

امروز ما tricky, tough و straightforward را مقایسه خواهیم کرد.

Welcome to Your English Toolbox and Practice Arena Five-Minute English.

به Your English Toolbox و تمرین Arena Five-Minute English خوش آمدید.

I am Martin.

من Martin هستم.



And I am Julia.

من Julia هستم.

Today we are moving beyond the general word difficult and choosing a word that explains what kind of difficulty we mean.

امروز ما فراتر از کلمه کلی سخت حرکت می کنیم و یک کلمه را انتخاب می کنیم که توضیح می دهد که چه نوع دشواری است.

Let us begin with tricky.

بیایید با tricky شروع کنیم.

Tricky means difficult because something requires care, skill or careful thought.

به معنای دشوار است زیرا چیزی نیاز به مراقبت، مهارت یا تفکر دقیق دارد Tricky.

A tricky question may look simple, but the answer is not obvious.

سوال tricky ممکن است ساده به نظر برسد، اما پاسخ واضح نیست.

A tricky problem may have several possible solutions and hidden risks.

مشکل tricky ممکن است چندین راه حل احتمالی و خطرات پنهان داشته باشد.

For example: This part of the installation is tricky.

به عنوان مثال: این قسمت از نصب tricky است.

Or: It was a tricky conversation because I did not want to offend anyone.

یا: این یک مکالمه tricky بود، زیرا نمی خواستم کسی را اذیت کنم.

So tricky can describe a technical problem and a social situation.

بنابراین tricky می تواند یک مشکل فنی و یک وضعیت اجتماعی را توصیف کند.

Yes.

بله.

It often suggests complexity, uncertainty or the possibility of making a mistake.

اغلب پیچیدگی، عدم اطمینان یا احتمال اشتباه کردن را نشان می دهد.

Could my project decision be tricky?

آیا تصمیم پروژه من tricky است؟

It could be, if there are many details to balance.

ممکن است اگر جزئیات زیادی برای تعادل وجود داشته باشد.

The salary is good, but the schedule is uncertain, and the role may change.

حقوق خوب است، اما برنامه نامشخص است و نقش ممکن است تغییر کند.

That is definitely tricky.

این قطعاً tricky است.

Now let us look at tough.

بیایید به tough نگاه کنیم.



Tough means difficult to do, endure or decide, often because it demands strength or involves an unpleasant choice.

به معنی دشوار برای انجام، تحمل یا تصمیم گیری است، اغلب به این دلیل که آن را به قدرت و یا شامل یک انتخاب ناخوشایند است Tough

A tough decision can affect people you care about.

تصمیم tough می تواند بر افرادی که به آنها اهمیت می دهید تاثیر بگذارد.

A tough week can leave you tired.

هفته tough می تواند شما را خسته کند.

And a tough exam demands a lot of effort.

و امتحان tough نیاز به تلاش زیادی دارد.

For example: Turning down the offer was a tough decision.

برای مثال: پایین آوردن پیشنهاد یک تصمیم tough بود.

Or: We had a tough conversation about the budget.

یا: ما گفتگوی tough در مورد بودجه داشتیم.

In your case, accepting the project would mean less time with your family and friends.

در مورد شما، پذیرش این پروژه به معنای زمان کمتر با خانواده و دوستان شما خواهد بود.

Exactly.

درست است.

That is why it feels tough.

به همین دلیل است که tough را احساس می کند.

Tricky describes the complexity.

پیچیدگی را توصیف می کند Tricky

Tough describes the emotional or practical weight.

وزن عاطفی یا عملی را توصیف می کند Tough

Can one situation be both tricky and tough?

آیا یک وضعیت می تواند tricky و tough باشد؟

Absolutely.

البته.

The details can be tricky, and the final choice can be tough.

جزئیات می تواند tricky باشد و انتخاب نهایی می تواند tough باشد.

Now for our third word: straightforward.

برای کلمه سوم ما: straightforward

Straightforward means clear, simple and easy to understand or complete.

به معنای واضح، ساده و آسان برای درک یا تکمیل است Straightforward



So it is almost the opposite of tricky.

این تقریباً مخالف tricky است.

Often, yes.

اغلب بله.

A straightforward process has clear steps and few surprises.

فرآیند straightforward گام های روشن و چند غافلگیری دارد.

For example: The online application was quick and straightforward.

به عنوان مثال: برنامه آنلاین سریع و straightforward بود.

Or: Her instructions were straightforward and easy to follow.

یا: دستورالعمل های او straightforward و آسان برای پیگیری بود.

Does straightforward mean that something requires no effort?

آیا straightforward به معنای چیزی است که نیازی به تلاش ندارد؟

Not always.

نه همیشه.

A task can take time but still be straightforward if you know exactly what to do.

یک کار می تواند زمان برد اما هنوز straightforward است اگر شما دقیقاً می دانید که چه کاری باید انجام دهید.

Editing one hundred files may be slow, but the process can be straightforward.

ویرایش یک صد فایل ممکن است آهسته باشد، اما فرآیند می تواند straightforward باشد.

Good example.

مثال خوب برعکس یک فرایند گیج کننده با گام های پنهان خواهد بود.

The opposite would be a confusing process with hidden steps.

مثال خوب برعکس یک فرایند گیج کننده با گام های پنهان خواهد بود.

Let us compare our three words.

بیایید سه کلمه را مقایسه کنیم.

Tricky: difficult because it needs care, skill or careful thought.

Tricky: دشوار است زیرا نیاز به مراقبت، مهارت یا تفکر دقیق دارد.

Tough: difficult because it demands strength or involves a hard choice.

Tough: دشوار است زیرا به قدرت نیاز دارد یا شامل یک انتخاب سخت است.

Straightforward: clear, direct and not complicated.

Straightforward: واضح، مستقیم و پیچیده.

Time for a quick challenge.

زمان برای یک چالش سریع



Choose tricky, tough or straightforward before we answer.

را قبل از پاسخ انتخاب کنید straightforward یا tricky, tough

Situation one.

وضعیت اول یک فرم سه مرحله روشن دارد و دو دقیقه طول می کشد.

A form has three clear steps and takes two minutes.

وضعیت اول یک فرم سه مرحله روشن دارد و دو دقیقه طول می کشد.

It is straightforward.

است straightforward.

Situation two.

وضعیت دو شما باید با دقت به یک سوال پاسخ دهید، زیرا کلمات اشتباه می توانند فرد را ناراحت کنند.

You must answer a question carefully because the wrong words could upset someone.

وضعیت دو شما باید با دقت به یک سوال پاسخ دهید، زیرا کلمات اشتباه می توانند فرد را ناراحت کنند.

It is a tricky question.

این سوال tricky است.

Situation three.

وضعیت سه شما باید بین دستمزد بهتر و زمان بیشتری با خانواده خود انتخاب کنید.

You must choose between a better salary and more time with your family.

وضعیت سه شما باید بین دستمزد بهتر و زمان بیشتری با خانواده خود انتخاب کنید.

It is a tough decision.

این تصمیم tough است.

Situation four.

وضعیت چهارم دستورالعمل ها کوتاه هستند، اما یک اشتباه کوچک می تواند به دستگاه آسیب برساند.

The instructions are short, but one small mistake can damage the machine.

وضعیت چهارم دستورالعمل ها کوتاه هستند، اما یک اشتباه کوچک می تواند به دستگاه آسیب برساند.

The task is tricky, not necessarily tough.

این کار tricky است، نه لزوماً tough.

Now improve this sentence: The meeting was difficult.

حالا این جمله را بهبود بخشید: جلسه دشوار بود.

Was it complicated and delicate?

پیچیده و ظریف بود؟

Then it was tricky.

سپس tricky بود.



Was it emotionally demanding?

آیا از نظر عاطفی لازم بود؟

Then it was tough.

سپس tough بود.

Was it clear and easy to follow?

آیا آسان و روشن است؟

Then it was straightforward, not difficult at all.

سپس straightforward بود و اصلاً دشوار نبود.

On the episode page at yourenglishtoolbox.com, Cinema Mode lets you follow every example as you hear it.

در صفحه قسمت yourenglishtoolbox.com, حالت سینما به شما اجازه می دهد هر نمونه را همانطور که می شنوید دنبال کنید.

Seeing the word in context while listening can make these small differences much easier to remember.

دیدن کلمه در متن در حالی که گوش دادن می تواند این تفاوت های کوچک را بسیار آسان تر کند.

The direct link is in the episode description.

لینک مستقیم در شرح قسمت است.

So, Martin, describe your project decision again.

بنابراین، Martin، دوباره تصمیم پروژه خود را توصیف کنید.

The contract is tricky because some details may change.

قرارداد tricky است زیرا برخی از جزئیات ممکن است تغییر کند.

Good.

خوب

The decision is tough because the new schedule would affect my personal life.

این تصمیم tough است زیرا برنامه جدید بر زندگی شخصی من تأثیر می گذارد.

Exactly.

درست است.

And is the application process difficult?

آیا فرآیند درخواست دشوار است؟

No. That part is completely straightforward.

نه. این قسمت کاملاً straightforward است.

Now your answer tells us something useful.

پاسخ شما چیزی مفید به ما می گوید.

See you next time, friends.

دفعه بعد را ببینید دوستان.



Goodbye.

.....

خدا حافظ

